

فصلنامه تخصصی علوم سیاسی (علمی - پژوهشی دانشگاه آزاد اسلامی)

سال چهاردهم، شماره چهل و ششم، بهار ۱۳۹۸

تاریخ دریافت: ۹۷/۱۱/۰۳

تاریخ تصویب: ۹۸/۰۲/۱۸

صفحات: ۲۱۴ - ۲۳۲

نحوه استفاده از میادین مشترک نفتی و گازی جمهوری اسلامی ایران و

کشورهای همسایه

رضا کاویانی

استادیار گروه علوم سیاسی، واحد تهران جنوب، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

محسن احمدپور*

دانشجوی دکتری گروه علوم سیاسی، واحد تهران جنوب، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

چکیده

در زمینه استفاده از میادین مشترک نفتی و گازی جمهوری اسلامی ایران و کشورهای همسایه، دو دسته قواعد عام و خاص قابل اعمال است. با اینکه جمهوری اسلامی ایران در کنوانسیون بین‌المللی حقوق دریاها به عنوان منبع اصلی عام حقوقی بین‌المللی حاکم بر میادین مشترک نفتی و گازی عضویت ندارد اما قواعد آن در این ارتباط تبدیل به قواعد عرفی بین‌المللی شده است و بنابراین بر جمهوری اسلامی ایران نیز قابل اعمال است. از سوی دیگر، در ارتباط با قواعد خاص به طور عمده می‌توان به معاهدات دو جانبه‌ای که جمهوری اسلامی ایران با برخی کشورهای همسایه دارد اشاره نمود این موافقتنامه‌ها هم در حوزه دریای مازندران و هم در حوزه خلیج فارس و دریای عمان می‌باشد و بنابراین، این موضوع نیز بایستی مورد توجه قرار گیرد که بخش بزرگی از قواعد موجود در این زمینه تابع معاهدات خاص حاکم می‌باشند. نتیجه تحقیق حاضر بدین صورت می‌باشد که به علت سیال بودن منابع مشترک به ویژه از نوع گازی آن، در طول دهه‌های گذشته بسیاری از این منابع توسط کشورهای همسایه به یغما برده شده و سود سالانه سرشاری را عاید این کشورها در نبود توافقنامه‌های مختلف نموده است و بنابراین به نظر می‌رسد که توسعه میادین ایرانی امروزه بیش از پیش ضرورت پیدا می‌نماید. این امر به دلیل مناطق غیرممنوعه در موافقتنامه‌های تحدید حدود منابع دریایی هست.

واژگان کلیدی: میدان مشترک نفتی، گازی، جمهوری اسلامی ایران، مناطق ممنوعه، مناطق

غیرممنوعه.

* نویسنده مسئول، ایمیل: behzad.۹۰۱۱@gmail.com

مقدمه

منابع طبیعی مشترک از جمله نفت و گاز اصول و قواعدی را در عرصه بین‌المللی می‌طلبد که نه در عرصه اقتصاد نه در عرصه حقوق و نه در عرصه روابط بین‌المللی بدان به نحو شایسته پرداخته نشده است. عدم وجود یک توافقنامه خاص در زمینه استفاده مشترک از این منابع نفتی و گازی موجب خسارت‌های زیانباری به یکی یا هر دو طرف دارنده منابع نفتی و گازی می‌شود. تجارب کشورهای نشان می‌دهد که در صورتی که آن‌ها از انعقاد توافقنامه‌ای میان یکدیگر ناامید شوند به سوی اقدامات یکجانبه در راستای ایفای حقوق ادعایی ملی خود گام برمی‌دارند. در این شرایط بحث دخالت در حقوق حاکمه دولت همسایه مطرح می‌شود و با توجه به اصل بنیادین احترام به حاکمیت سرزمینی و عدم مداخله، می‌توان آن را به نوعی تعدی و تجاوز پنهان به قلمرو کشور هم‌مرز تلقی نمود. (کاشانی، ۱۳۸۹: ۳۴) مادام که ذخایر نفت و گاز در محدوده مرزهای ملی قرار داشته باشند دولت دارای حاکمیت بلامنازع بوده و مبادرت به ایجاد ساز و کارهای حقوقی و فنی در زمینه اکتشاف، بهره‌برداری و توسعه میادین نفت و گاز و تجارت آن می‌نماید. اما مساله به اینجا ختم نمی‌شود. از سوی دیگر طبیعت سیال این مواد به گونه‌ای است که گاه از مرزهای جغرافیایی یک کشور عبور نموده و وارد قلمرو یک کشور دیگر می‌شود. این منابع برخلاف مواد جامد که به آسانی و براساس خطوط مرزی تعیین شده بین کشورها، قابل تقسیم می‌باشند، به دلیل سیال بودن مهاجرت می‌کنند. با توجه به وقوع بخش مهمی از ذخایر نفت و گاز جهان در مناطق دریایی، شناسایی و بهره‌برداری از این منابع رابطه تنگاتنگی با تحدید حدود دریایی و مقررات حقوق بین‌الملل دریاها دارد. در صورت توافق دولت‌های همسایه در تحدید حدود دریایی، تکلیف آن دسته از میادین نفت و گاز که از خط مرزی گذشته و در محدوده حاکمیت هر دو طرف قرار دارند در قالب موافقتنامه تحدید حدود یا موافقتنامه خاص روشن می‌شود. اما در صورت عدم تحدید حدود یا وجود اختلاف طرفین بر سر حاکمیت باید به کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق بین‌الملل دریاها رجوع شود.

ملاحظه قراردادهای گوناگون منعقد در این بخش نشان دهنده آن است که با توجه به میزان و نحوه مداخله شرکت سرمایه‌گذار، دولت یا شرکت نفتی دولتی میزبان در قراردادهای اکتشاف، توسعه و استخراج نفت، تنوع و تحول بسیاری صورت یافته است. تحولی که شروع آن از انتقال مالکیت عین در "قراردادهای امتیازی" آغاز و در ادامه به انتقال مالکیت منفعت در قراردادهای موسوم به "قراردادهای اجازه بهره‌برداری" منجر و در سیر تحولی خود و تحت تأثیر

۵ فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، سال چهاردهم، شماره چهل و ششم، بهار ۱۳۹۸ ———
جنبش‌های ملی مانند نهضت ملی شدن نفت در ایران و سایر انقلاب‌ها در کشورهای دیگر به قراردادهای تدابینی و در قالب "قراردادهای خدماتی" نزدیک می‌گردد. در ادامه این روند تکاملی، مفهوم مشارکت جایگزین رابطه معاوضی و مغایه‌ای صرف می‌گردد و راهکار قراردادی منبعث از مشارکت در تولید به عنوان مبنای بسیاری از قراردادهای نفتی در کشورهای در حال توسعه شکل می‌گیرد.

۱. اصول و قواعد عمومی حاکم بر قراردادهای مشترک بهره‌برداری از منابع نفتی و گازی

۱-۱- اصول حاکم در قانون اساسی

در سیاست اقتصادی: وضعیت اقتصادی هر کشور، اثر تعیین کننده و جهت دهنده بر استقلال ملی آن کشور دارد. کشورهای جهان سوم به خاطر فقدان سرمایه، امکانات و تجهیزات فنی و نیروی انسانی ورزیده و همچنین افزایش بی‌رویه جمعیت و رکود اقتصادی در موضع ضعیف سیاسی قرار می‌گیرند. این ضعف زمینه سلطه بیگانگان و در نتیجه آسیب‌پذیری استقلال را فراهم می‌سازد. (موحد، ۱۳۷۴: ۲۰۲) کشور ایران، هر چند در وضعیت فعلی، در ردیف کشورهای پیشرفته صنعتی قرار ندارد، اما با وجود ذخایر ارزنده زیرزمینی، اراضی قابل توجه کشاورزی و نیروی انسانی بالقوه مستعد، در صورت بکار انداختن ابتکارات شایسته، امکان دسترسی به رشد اقتصادی، خودکفایی و خوداتکایی را خواهد داشت. قانون اساسی با هدف قرار دادن استقلال اقتصادی، یکی از ضوابط اقتصادی کشور را جلوگیری از سلطه اقتصادی بیگانه بر اقتصاد کشور قرار می‌دهد. با این ترتیب، وظیفه اصلی زمامداری تلاش فراوان در قطع وابستگی‌های اقتصادی کشور است. (Harley, ۱۹۹۴: ۶۴)

منع انعقاد قراردادهای بین‌المللی سلطه‌آمیز: در اصل ۱۵۳ مقرر شده است: ((هرگونه قرارداد که موجب سلطه بیگانگان بر منابع طبیعی و اقتصادی، فرهنگ، ارتش و دیگر شئون کشور شود، ممنوع است.))

منع امتیاز به تشکیل شرکت به خارجیان: اصل ۸۱ مقرر می‌دارد: ((دادن امتیاز تشکیل شرکت‌ها و موسسات در امور تجاری، صنعتی، کشاورزی و معادن و خدمات به خارجیان مطلقاً ممنوع است.))

نحوه استفاده از میادین مشترک نفتی و گازی جمهوری اسلامی ایران ۵

التزام زمامداران به حفظ و پاسداری از استقلال ملی: هدایت و اداره کشور و اجرای اصول قانون اساسی در اختیار زمامداران است. بنابراین، کیفیت کار آنان نقش تعیین کننده در حفظ استقلال کشور دارد. قانون اساسی در این خصوص، برای مقام رهبری، ریاست جمهوری، مجلس و نمایندگان، حقوق و تکالیفی را مقرر داشته است.

۱-۲- الزام مقام رهبری

مقام رهبری تعیین سیاست‌های کلی نظام، فرماندهی کل نیروهای مسلح را مطابق اصل ۱۱۰ قانون اساسی و هدایت امنیت ملی را مطابق اصل ۱۷۶ قانون اساسی برعهده دارد. بنابراین، مقام مذکور، در صدور فرامین سیاسی و نظامی، با در نظر گرفتن جمیع مصالح و به ویژه مصلحت استقلال ملی، انجام وظیفه می‌نماید؛

۱-۳- التزام رییس جمهور

رییس جمهور، ریاست فائقه کلیه امور اجرایی کشور را برعهده دارد. بدین ترتیب، کلیه اعمال و رفتار و دستورالعمل‌های وی مستقیماً بر استقلال کشور موثر است. امضای قراردادهای بین‌المللی (اصل ۱۲۵ قانون اساسی)، اعزام و پذیرش سفراء (اصل ۱۲۶ قانون اساسی)، ریاست شورای عالی امنیت ملی (اصل ۱۷۶ قانون اساسی) و اداره امور تمام سیاست‌های اجرایی، وی را در موقعیت بسیار حساس سیاسی قرار می‌دهد. بنابراین، مقام ریاست جمهوری موظف است ضمن رعایت جمیع جهات و مصالح ملی، استقلال کشور را با تدابیر و مصالح اندیشی‌هایی که از ضروریات این مقام است در نظر داشته باشد. قانون اساسی مطابق اصول ۱۱۵ و ۱۲۱ قانون اساسی از رییس جمهور می‌خواهد که در سوگند خود تعهد نماید که در حراست از مرزها و استقلال سیاسی و اقتصادی و فرهنگی کشور، از هیچ اقدامی دریغ نوزد.

۱-۴- التزام نمایندگان مجلس شورای اسلامی

تدوین قوانین عادی بر عهده مجلس شورای اسلامی است که از نمایندگان ملت تشکیل می‌گردد. (اصل ۶۲ قانون اساسی) نمایندگان در ایفای وظایف نمایندگی خود در برابر ملت مسئولند (اصل ۸۴ قانون اساسی) بنابراین کلیه اعمال نظارتی مجلس در تصویب قراردادهای

۵ فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، سال چهاردهم، شماره چهل و ششم، بهار ۱۳۹۸ ———
بین‌المللی (اصل ۷۷)، تغییر خطوط مرزی (اصل ۷۸)، قرض و استقراض (اصل ۸۰)، استخدام
کارشناسان خارجی (اصل ۸۲ قانون اساسی)، به طور کلی تصویب قوانین (اصل ۷۲ قانون
اساسی) که مجموعاً نقش تعیین کننده بر حفظ استقلال کشور دارد، مستقیماً به تعهد اخلاقی،
کاردانی، دقت و تیزهوشی نمایندگان ملت مربوط می‌شود.

انعقاد قراردادهای بین‌المللی از جمله قراردادهای نفتی بر مبنای توزیع عادلانه منابع طبیعی:
فقر و محرومیت، علاوه بر آنکه نوعاً متوجاً افراد فراوانی می‌شود، در برخی از موارد مناطق
محروم کشور را نیز در برمی‌گیرد. بنابراین، گاهی اوقات اقتضاء می‌کند که مبارزه با فقر و
محرومیت با توجه به فقر مناطق صورت پذیرد. در این خصوص، اصل چهل و هشتم قانون
اساسی مقرر می‌دارد: ((در بهره‌برداری از منابع طبیعی و استفاده از درآمدهای ملی در سطح
استان‌ها و مناطق کشور، باید تبعیض در کار نباشد، به طوری که هر منطقه فراخور نیازها و
استعداد رشد خود، سرمایه و امکانات لازم را در دسترس داشته باشد.))

بهره‌گیری از انفال و ثروت‌های عمومی: مطابق اصل ۴۵ قانون اساسی: ((انفال و ثروت‌های
عمومی از قبیل زمین‌های موات یا رهاشده، معادن، دریاها، دریاچه‌ها، رودخانه‌ها و سایر آب‌های
عمومی، کوه‌ها و دره‌ها، جنگل‌ها، نیزارها، بیشه‌های طبیعی، مراتعی که حریم نیستند، ارث بدون
وارث و اموال مجهول‌المالک و اموال عمومی که از غاصبین مسترد می‌شوند، در اختیار حکومت
اسلامی است تا بر طبق مصالح عامه نسبت به آن‌ها عمل نماید.))

۲- روش‌های مختلف بهره‌برداری از میادین مشترک نفتی و گازی

روش‌های مختلف بهره‌برداری از میادین مشترک نفتی و گازی به صورت ذیل می‌باشند:

۲-۱- انعقاد معاهدات بین‌المللی تحدید حدود

پیش از آنکه بحث انعقاد موافقتنامه بین‌المللی تحدید حدود مورد بحث و بررسی قرار گیرد
به موضوع مدل جدید قرارداد نفتی ایران پرداخته می‌شود. اخیراً در ایران یک شیوه جدیدی در
قراردادهای نفتی ارایه گردیده است که از آن به عنوان IPC که مخفف Iran Petroleum
Contract می‌باشد. در مدل IPC، مطابق قوانین کشور، هیچ مالکیتی منتقل نخواهد شد. سه
مرحله اکتشاف، توسعه و تولید به صورت یکپارچه در نظر گرفته می‌شود. در کل مراحل، تولید

_____ نحوه استفاده از میادین مشترک نفتی و گازی جمهوری اسلامی ایران ۵

صیانتی و در مرحله تولید، حفظ ظرفیت تولید و ازدیاد برداشت نیز مورد توجه خواهد بود. پرداخت به پیمانکاران پس از شروع تولید آغاز خواهد شد و متناسب با وضعیت و شرایط میدان، متغیر خواهد بود. از اصلی‌ترین مشخصه‌های IPC، انعطاف‌پذیری آن است که در مواردی هم چون ریسک، درآمد، هزینه و سقف تولید به چشم می‌خورد. به طور کلی انعطاف‌پذیری قرارداد جدید شامل ۱۲ محور می‌شود: نقشه توسعه، برنامه کاری و بودجه سالانه به جای هزینه‌های ثابت، بازپرداخت کامل هزینه‌ها، رویکرد تعادل بین ریسک و پاداش، انعطاف در پاداش بسته به تغییر قیمت نفت، تغییر پرداخت بسته به نواحی مختلف و ریسک‌های مربوطه، شاخص صرفه‌جویی در هزینه، اصلاح فرآیند تصمیم‌سازی، شانس اکتشاف در بلوک‌های همسایه در صورت شکست، انعطاف در فعالیت‌های طولانی مدت، انعطاف در افزایش مدت در صورت نیاز به پروژه‌های ازدیاد برداشت و انعطاف در شراکت. انعقاد قراردادهای بین‌المللی از جمله قراردادهای نفتی بر مبنای توزیع عادلانه منابع طبیعی: فقر و محرومیت، علاوه بر آنکه نوعاً متوجا افراد فراوانی می‌شود، در برخی از موارد مناطق محروم کشور را نیز در برمی‌گیرد. بنابراین، گاهی اوقات اقتضاء می‌کند که مبارزه با فقر و محرومیت با توجه به فقر مناطق صورت پذیرد. در این خصوص، اصل چهل و هشتم قانون اساسی مقرر می‌دارد: ((در بهره‌برداری از منابع طبیعی و استفاده از درآمدهای ملی در سطح استان‌ها و مناطق کشور، باید تبعیض در کار نباشد، به طوری که هر منطقه فراخور نیازها و استعداد رشد خود، سرمایه و امکانات لازم را در دسترس داشته باشد.))

بهره‌گیری از انفال و ثروت‌های عمومی: مطابق اصل ۴۵ قانون اساسی: ((انفال و ثروت‌های عمومی از قبیل زمین‌های موات یا رهاشده، معادن، دریاها، دریاچه‌ها، رودخانه‌ها و سایر آب‌های عمومی، کوه‌ها و دره‌ها، جنگل‌ها، نیزارها، بیشه‌های طبیعی، مراتعی که حریم نیستند، ارث بدون وارث و اموال مجهول‌المالک و اموال عمومی که از غاصبین مسترد می‌شوند، در اختیار حکومت اسلامی است تا بر طبق مصالح عامه نسبت به آن‌ها عمل نماید.))

۲-۲- قرارداد اجاره مشترک منابع نفتی و گازی مشترک

قرارداد اجاره مشترک منابع نفتی و گازی مشترک یکی دیگر از روش‌های بهره‌برداری از میادین مشترک نفتی و گازی می‌باشد که بر طبق آن، دولت‌های دارنده این منابع با انعقاد موافقتنامه‌هایی با شرکت‌های بین‌المللی دارنده فناوری‌های پیشرفته که اغلب از کشورهای

♦ فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، سال چهاردهم، شماره چهل و ششم، بهار ۱۳۹۸ —

پیشرفته می‌باشند و به عنوان مستاجر می‌باشند؛ این میادین را به عنوان عین مستاجر در اختیار قرار می‌دهند. منطق پشت انعقاد یک موافقتنامه اجاره منابع نفتی و گازی معمولاً یا اقتصادی یا زمین شناختی است. یک طرف IOC، یک قرارداد IPA، ممکن است به قابلیت‌های اکتشاف و ارزیابی متعهد بوده باشد یا ممکن است از نظر مالی، منابع مالی کافی برای این وظایف را در اختیار نداشته باشد. از طریق قرارداد اجاره منابع پتروشیمی، طرف IOC به عنوان اجاره کننده از این قابلیت برخوردار است که در حدود قیود، شرایط و محدودیت‌های زمانی تعهد اولیه قراردادی اش به اجرای قرارداد بپردازد اگرچه به برخی از منافع مربوط به شرکت وی در قرارداد ضرر وارد سازد. موجد به عنوان عامل به انجام عملیات اکتشافی یا سایر عملیات تعهد شده، ملتزم می‌گردد. قراردادهای اجاره منابع نفتی و گازی از آن رو که دیدگاه‌ها در میان زمین‌شناسان، متفاوت می‌باشد، مفید و سودمند می‌باشند و یک طرف IOC ممکن است تمایل داشته باشد تا اطلاعات بیشتری را راجع به یک چشم‌انداز دریافت نماید با این حال هنوز چشم‌انداز پروژه را به قدر کافی توجیه کننده اقدامات یا هزینه‌های خودش نداند. به همین ترتیب، یک طرف IOC که در عملیات پتروشیمی در یک حوزه نزدیک قرارداد مشارکت داشته باشد ممکن است اطلاعات لرزه‌نگاری یا سایر اطلاعات مرتبط راجع به حوزه نفتی و گازی که تحت‌الشمول قرارداد IPA دیگری می‌شود را به این دلیل نیاز داشته باشد که حوزه‌های قراردادی، مخزن مشترکی را در برمی‌گیرد. این چنین طرف IOC می‌تواند بر مبنای قرارداد اجاره منابع نفتی و گازی به اینکه یک اجاره کننده باشد و بنابراین، به وی اجازه دهد تا اطلاعات لرزه‌نگاری را کسب کرده و سود اضافه‌تری را در حوزه نزدیک به حوزه قراردادی خود بدست آورد، علاقه‌مند باشد.

ایجاب در قرارداد اجاره منابع نفتی و گازی می‌تواند در صورتی که کشور میزبان اجازه دهد، از سوی برنده پیروز در یک مناقصه راجع به IPA کمی بعد از اینکه IPA را بدست آورده باشد، صورت می‌گیرد. کشورهای میزبان به طور فزاینده‌ای این چنین قراردادهای اولیه اجاره منابع نفتی و گازی تا پس از اینکه حداقل تعهدات کاری دوره اول اجرای قرارداد، ایفاء نگردد را ممنوع یا محدود می‌نمایند. در صورتی که برنده پاداش بزرگی برای امضاء را متعهد نموده باشد یا به منظور پیشی گرفتن از رقباء، تعهدات حداقل کاری خود را افزایش داده باشد، می‌تواند با یک نظم نسبتاً سریع به دنبال یک موجد باشد. در صورتی که کشور میزبان یک قرارداد اولیه اجاره منابع نفتی و گازی را به آن دسته از رقبای تجاری که در IPA برنده نشده‌اند، اجازه دهد؛

نحوه استفاده از میادین مشترک نفتی و گازی جمهوری اسلامی ایران ۵

برنده مناقصه می‌تواند یک طرح پیشنهادی قرارداد اجاره منابع نفتی و گازی را ارائه دهد. در این صورت، رقبای تجاری مزبور از فرصت دیگری برای تضمین منفعت مشارکت در حوزه قراردادی مورد نظر برخوردار می‌گردند. در زمان دعوت برای ارائه طرح‌های پیشنهادی در زمینه موافقت‌نامه‌های اجاره منابع نفتی و گازی، مالک IPA، قرارداد محرمانه‌ای را با هر یک از شرکاء ذینفع در زمانی منعقد می‌نماید که آن‌ها نسبت به بررسی و تحقیق راجع به اطلاعات فنی و حقوقی که مربوط به برنده مناقصه بوده و در تصمیم‌گیری راجع به انعقاد موافقتنامه اجاره منابع نفتی و گازی موثر می‌باشد. (Banktekas, ۲۰۰۴: ۳۴)

قراردادهای اجاره منابع نفتی و گازی برای سالیان متمادی در صنعت نفت داخلی ایالات متحده آمریکا و کانادا مورد استفاده قرار گرفته‌اند. (Roberts, ۲۰۰۷: ۱۱۳) اگرچه یک مدل قرارداد اجاره منابع نفتی و گازی به تدریج توسعه پیدا نمود به این دلیل که شرایط این قراردادها بسیار با یکدیگر متفاوت بوده و این قراردادها اغلب با استفاده از موافقتنامه‌های مکتوب غیررسمی بین شرکت‌های مجرب منعقد می‌شوند. (Muttitt, ۲۰۱۲: ۱۹۰-۱۹۰) پس از پایان جنگ جهانی دوم، قراردادهای اجاره منابع نفتی و گازی در واکنش به افزایش ریسک و هزینه‌های حفاری‌های عمیق‌تر و افزایش تعداد شرکت‌های پیچیده نفتی که در ایالات متحده به اجرای عملیات می‌پرداختند، شایع و مرسوم گشت. به همین ترتیب، زمانی که شرکت‌های کوچکتر و مستقل برای سرمایه‌گذاری در حوزه‌های بین‌المللی به خارج از کشور نقل مکان نمودند، این تازه واردان به صورت فعالانه قراردادهای اجاره منابع نفتی و گازی را از شرکت‌های عمده‌ای که پیشتر در آنجا به انجام عملیات می‌پرداختند، مطالبه نمودند. اتحادیه مذاکره کنندگان بین‌المللی پتروشیمی یک قرارداد مدل بین‌المللی اجاره منابع نفتی و گازی را در سال ۲۰۰۴ میلادی تدوین نموده و رویه قضایی بسیار مطلوبی نیز مخصوصاً در تکزاس و آلبرتا کانادا در زمینه مفاد و شرایط قراردادهای اجاره منابع نفتی و گازی وجود دارد.

قرارداد اجاره منابع نفتی و گازی، یکی از چندین روشی است که برای انتقال منفعت در اجاره یا سایر اشکال قراردادهای IPA به کار برده می‌شود. برخی معاملات به عنوان قراردادهای اجاره منابع نفتی و گازی لحاظ نمی‌شوند اگرچه آن‌ها برخی اوقات به اشتباه با آن نام اطلاق می‌گردند. یک معامله زمانی قرارداد اجاره منابع نفتی و گازی است که منتقل الیه یا اجاره گیرنده که طرفی است که تامین مالی برای یک پروژه خاص را ارائه می‌دهد، یک مشارکت مستقیم یا مستمر در اکتشاف یا توسعه حوزه قرارداد کسب می‌نماید. هدف منتقل‌الیه بر مبنای قرارداد

۵ فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، سال چهاردهم، شماره چهل و ششم، بهار ۱۳۹۸ —

IPA، امتیازگیرنده مشترک، لیسانس گیرنده مشترک یا مقاطعه کار مشترک در ازای انجام کار از جمله حفاری نمودن یک یا چند چاه نفتی و گازی یا پرداخت مبلغی پول که برای انجام تعهدات بر مبنای قرارداد موجود ipa به کار برده می‌شود؛ می‌باشد. در فقدان این ویژگی کلیدی، معامله به عنوان فروش منفعت و نه قرارداد اجاره منابع نفتی و گازی توصیف می‌شود.

((به همین ترتیب، برخی معاملاتی که قراردادهای اجاره منابع نفتی و گازی اطلاق می‌گردند، در واقع نمایانگر انتقال از طریق فروش سهام در شرکت به شخص ثالثی بوده که نهایتاً به تغییر کنترل سهامداران شرکت مزبور منتهی می‌گردد که یک منفعت مشارکتی مستقیم بر مبنای قرارداد IPA داشته‌اند. امروزه بر مبنای بسیاری از قوانین داخلی، این چنین تغییر کنترلی معمولاً به تایید کشور میزبان نیازمند می‌باشد از آن رو که به عنوان تفویض یا انتقال منفعت از یک طرف به طرف دیگر تلقی می‌شود مگر آنکه انتقال به یک شرکت تبعی صورت گرفته باشد.))

یک شرکت نفتی که در یک کار و کسب پتروشیمی دارای یک منفعت مشارکتی می‌باشد، نیز می‌تواند سایر انواع منافع را ایجاد نموده که بدان‌ها منافع غیرمشارکتی اطلاق می‌گردد و کاملاً از منافی که از سوی طرفین یک قرارداد JOA, IPA یا قرارداد اجاره منابع نفتی و گازی تحت اختیار قرار می‌گیرد، منفک و مجزاست. برای نمونه، دارنده حقوق پتروشیمی از نوع اکتشاف و تولید (بر مبنای یک قرارداد اجاره، امتیازی، قرارداد سهام شدن در تولید یا لیسانس) می‌تواند به تزریق منابع نقدی به منظور حفاری در یک حوزه قراردادی نیاز داشته باشد. طرف مزبور می‌تواند به منظور افزایش وجوه نقدی خود، در صورتی که قانونگذاری کشور میزبان اجازه دهد، منفعت ویژه خود را به طرف ثالثی بفروشد. در چنین صورتی، طرف ثالث یک درصد از سهم تولید را که معاف از هزینه‌هاست دریافت خواهد نمود. در مقابل، دارنده حقوق پتروشیمی که در مضیقه مالی می‌باشد می‌تواند منافع ناشی از سود خالص که درصدی از سهم مربوط به سودهای خالص عملیاتی یک پروژه پتروشیمی می‌باشد را به طرف ثالث بفروشد. محاسبه سودهای خالص پروژه پتروشیمی می‌بایستی به نحوی دقیقاً توسط طرفین معین شود که مشخص کند که هزینه‌ها و سایر مولفه‌ها از جمله پاداش‌هایی که از درآمدها قابل کسر خواهد بود، چه خواهد بود. منفعت ناشی از سود خالص، هیچ پولی را به طرف ثالث باز نمی‌گرداند مگر اینکه درآمدهای ناشی از پروژه از هزینه‌های آن پیشی بگیرد در حالیکه دارنده یک سهم امتیازی مقدم زمانی مبالغی را دریافت خواهد نمود که تولید، انجام شده باشد صرفنظر از اینکه تولید

نحوه استفاده از میادین مشترک نفتی و گازی جمهوری اسلامی ایران ۵

مزبور، سودآور بوده است یا نه. شخص ثالث می‌تواند معامله‌ای را نیز مورد مذاکره قرار بدهد که بر مبنای آن، منابع مالی از پیش به دارنده حقوق پتروشیمی انتقال داده شود. هیچ کدام از این معاملات، بر مبنای قواعد اجاره منابع نفتی و گازی در ایالات متحده آمریکا، منفعت کاری برای مالک جدید یا منفعت مشارکت در پروژه بر مبنای قرارداد ipa و joa ایجاد نخواهد نمود. شخص ثالث تنها یک منفعت غیرمشارکتی را در جریان آینده درآمد ناشی از نفت یا گازی که از یک پروژه موفقیت آمیزی که توسط دیگران توسعه یافته است، در اختیار می‌گیرد.

قراردادهای پشتیبانی که قراردادهای مشارکتی نیز اطلاق می‌شوند، در اغلب اوقات در صنعت پتروشیمی استفاده شده (البته مجدداً بایستی گفت در مواردی که قانون دولت میزبان اجازه دهد) و با قراردادهای اجاره منابع نفتی و گازی نیز نزدیک هستند با این حال دقیقاً مشابه قراردادهای اخیر نمی‌باشند. بر مبنای قرارداد پشتیبانی، دارنده قرارداد اجاره یا ipa طرفی است که به جای انتقال حفاری به دیگری، خود اقدام به حفاری چاه‌های نفتی و گازی می‌نماید. طرف دوم از طریق ارایه مبلغ مالی یا برخی اوقات، سود در حوزه نفتی یا گازی دیگری که در اختیار دارد، از این فعالیت حفاری پشتیبانی به عمل می‌آورد. قرارداد پشتیبانی می‌تواند یک قرارداد حفاری چاه باشد که پرداخت وجوه از سوی طرف دوم را منوط به حفاری طرف دیگر در چاه‌های نفتی و گازی و تشریک اطلاعاتی که در این ارتباط بدست آورده می‌شود؛ می‌نماید. قراردادهای مشارکت در حوزه نفتی و گازی به مانند قراردادهای چاه‌های پایین دستی است با این حال طرف دوم به جای آورده نقدی در حوزه نفتی و گازی شریک می‌نماید. از این رو، قراردادهای پشتیبانی که اکتشاف و ارزیابی حوزه خاص نفتی یا گازی را به پیش می‌برند به قراردادهای اجاره منابع نفتی و گازی شباهت زیادی دارند.

اهم اصول و قواعد حاکم بر قراردادهای نفتی ایران از جمله بیع متقابل عبارتند از: ۱- اصول حاکمیت دولت میزبان بر منابع طبیعی و گسترش آن؛ ۲- اصل مالکیت بر منابع طبیعی؛ ۳- اصل آزادی قراردادی؛ ۴- اصل سرمایه‌گذاری خارجی و ایجاد رقابت سالم در حوزه نفت و گاز؛ ۵- نیل به خودکفایی ملی در زمینه‌های اقتصاد و انرژی؛ ۶- ایجاد تنوع در منابع سوختی و هم چنین درآمد حداکثری برای دولت میزبان؛ ۷- توسعه، انتقال و آموزش تکنولوژی در صنعت نفت و گاز؛ ۸- وجوب رعایت الزامات قانونی و بودجه‌ای.

۲-۳- رجوع به داوری بین‌المللی

رجوع به داوری بین‌المللی به عنوان یکی دیگر از ساز و کارهای مهم حقوقی در زمینه حل و فصل اختلافات ناشی از منابع مشترک نفتی و گازی تلقی می‌شود. در این راستا می‌توان به ماده ۲۷ کنوانسیون ایکسید توجه نمود که حق حمایت سیاسی یا طرح دعوای بین‌المللی از هر یک از دولت‌های طرف اختلاف برگرفته شده است به جز اینکه کشور یا کشورهایی از اجرای رای داوری به نحوی از انحاء خودداری نمایند. مضافاً بر اینکه کنوانسیون مقررات نسبتاً جامع و منحصر بفردی در ارتباط با قطعیت و لازم الاجرا بودن. آرای داوری مرکز پیش‌بینی نموده است که برتری رسیدگی‌های مرکز را نسبت به سایر مکانیسم‌های داوری نمایان می‌سازد و آرای مرکز را در موقعیت ویژه‌ای قرار می‌دهد. بدین ترتیب از آنجا که بحث مربوط به شناسایی و اجرای آرای داوری صادر شده در چهارچوب کنوانسیون یکی از مباحث بسیار مهم و کلیدی در کارایی هرچه بیشتر مرکز اکسید در حل و فصل اختلافات ناشی از سرمایه‌گذاری و توسعه روابط تجاری بین‌المللی شمار می‌رود.

به هر حال، تجدیدنظری که صورت می‌پذیرد در چارچوب زمانی ۹۰ روز از زمان کشف حقایق جدید انجام پذیرد. در چنین صورتی همان دادگاهی که به اصل دعوا رسیدگی کرده است به درخواست تجدیدنظر نیز توجه می‌نماید و به همین ترتیب در صورت صلاحدید دادگاه رسیدگی کننده می‌توان برای مرجع رسیدگی کننده بدوی، قدرت زیادی قایل بود. (نمدیان، ۱۳۷۶: ۱۰)

همچنین دولت مزبور در قبال اجرای تعهداتی که مؤسسات و واحدهای تابع آن به موجب ماده ۵۳ دارا می‌باشند، نیز مسئول خواهد بود زیرا خود آن دولت واحدها و مؤسسات مزبور را به عنوان نهاد دولتی به مرکز معرفی نموده و رضایت آنان را به داوری مورد تأیید قرار داده است. طرف دیگر اختلاف یعنی سرمایه‌گذار خارجی که اصولاً یک واحد خصوصی است، تعهدات مشابهی با آنچه برای کشورهای عضو درخصوص تبعیت از خصلت الزام‌آور رأی وجود دارد، دارا می‌باشد و در مقابل اهلیتی که برای مراجعه به داوری به وی اعطا گشته، متعهد به پذیرش و اجرای مفاد رأی داوری علاوه بر طرفین اختلاف، هر یک از دول عضو نیز باید حکم صادر شده بر طبق مقررات کنوانسیون را معتبر و الزام‌آور شناخته، الزامات ناشی از آن را به مورد اجرا گذارند. به طوری که آن را یک حکم نهایی صادر شده از دادگاه‌های داخلی خود به شمار آورند. (اسکینی، ۱۳۷۱: ۷۹)

نحوه استفاده از میادین مشترک نفتی و گازی جمهوری اسلامی ایران ۵

بدین ترتیب کنوانسیون تکلیف شناسایی و اجرای آرای داوری مرکز را برای هر یک از دول متعاقد مقرر داشته است که لازم است آن را به دقت مورد تحلیل و بررسی قرار دهیم. و در بحث اجرای آراء صادره از دیوان داوری ایکسید باید گفت حکم داوری مرکز پس از شناسایی در یک کشور متعاقد همان قدرت اجرایی را خواهد داشت که یک حکم نهایی صادر شده از دادگاه‌های همان کشور داراست. با این تفاوت که تعهد به اجرای حکم برخلاف تعهد به شناسایی که به همه احکام توسعه می‌یابد، فقط به تعهدات مالی مندرج در حکم داوری محدود می‌شود و شامل سایر تعهدات مانند اجرای عین تعهد و یا قرار عدم اجرای اعمال مشخص نمی‌گردد. (بروشه، ۱۳۶۸: ۸۰-۸۹)

با توجه به ماده ۷۰ و بند د ماده ۷۵ کنوانسیون ایکسید، ایران می‌تواند آن کنوانسیون را بپذیرد، ولی موارد خاص مورد نظر خود را از صلاحیت دیوان داوری آن استثنا کند یعنی استفاده از حق شرط. این امر به نحو دیگری در بند ۴ ماده ۲۵ که به دولت عضو اجازه می‌دهد از قبل، نوع خاص دعوایی که در صلاحیت مرکز قرار می‌گیرد را اعلام کند، تأیید شده است. همچنین طبق ماده ۷۱، هر دولتی می‌تواند به صورت آزمایشی کنوانسیون را بپذیرد و در صورت پیدایش عوارض و تبعات منفی آن بر سرمایه‌گذاری خارجی در کشورش به عضویت خود خاتمه دهد. بعلاوه، وقتی بند ۱ ماده ۲۵ فقط دعاوی حقوقی و از میان آن‌ها فقط دعاوی‌ای را که مستقیماً ناشی از سرمایه‌گذاری است، در صلاحیت دیوان داوری قرار می‌دهد به نظر می‌رسد نباید جای نگرانی وجود داشته باشد. در نهایت، چنانچه در ارتباط با تفسیر یا اجرای کنوانسیون اختلافی به وجود آید که نتوان آن را از طریق مذاکره حل کرد یا طرفین روش دیگری را انتخاب نکنند، به تقاضای هر یک از طرفین آن اختلاف، دیوان بین‌المللی دادگستری مقام صالح برای رسیدگی خواهد بود که این نیز ممکن است نوعی حمایت از منافع کشورهای سرمایه‌پذیر باشد. با قبول صلاحیت مرکز فقط در صورتی که دولت طرف اختلاف از اجرای حکم داوری امتناع کند، کشور متبوع سرمایه‌گذار طرف اختلاف می‌تواند از او حمایت سیاسی مورد نظر حقوق بین‌الملل را به عمل آورد که این امر نیز ممکن است باعث تشویق دولت ایران در پیوستن به کنوانسیون تلقی گردد. شرط ذیل ماده ۲۶ نیز حمایت دیگری برای دولت‌ها محسوب می‌شود زیرا هر دولت متعاقد می‌تواند رضایت به رسیدگی داوری ایکسید را مشروط به مراجعه قبلی تبعه خارجی به مراجع اداری و قضایی خود کند. همچنین به استناد ماده ۵۵ و با توجه به اصل مصونیت دولت‌ها که ناشی از اصل حاکمیت است، در صورتی که احکام صادره از دیوان داوری خارج از چارچوب

۵ فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، سال چهاردهم، شماره چهل و ششم، بهار ۱۳۹۸ —

اعمال تصدّی دولت باشد یعنی به اعمال حاکمیت آن دولت مربوط شود آن احکام قابل اجرا نیست. (همان، ۲۶۰) با توجه به موارد فوق به نظر می‌رسد تأخیر در پذیرش کنوانسیون از طرف ایران فاقد توجیه حقوقی باشد، وقتی ایران در مقابل آمریکا، سابقه ۲۳ ساله حلّ و فصل مسالمت‌آمیز هزاران اختلاف از طریق داوری را دارد و دو دولت در این مسیر برای اجرای آزادی صادره از دیوانی که به این منظور ایجاد شده از مصونیت حاکمیتی خود صرف‌نظر کرده‌اند، دلیلی برای نپیوستن به این کنوانسیون و قبول داوری آن وجود ندارد.

از جمله مباحث مهم که در اختلافاتی ناشی از قراردادهای نفتی رخ می‌دهد مسئله سلب مالکیت یا فسخ قراردادهای سرمایه‌گذاری خارجی و به دنبال آن، مسئله غرامت قابل پرداخت به شرکت خارجی است. اگرچه باید اذعان نمود اختلافاتی که ممکن است. قراردادهای نفتی به وجود آید. بسیار و در عین حال متنوع می‌باشد و این مسئله همان طور که قبلاً به آن اشاره شد ناشی از ارتباط قرارداد با عوامل متعدد خارج از قرارداد است. (ایرانپو، ۱۳۸۶: ۷۴-۷۵) در ۱۲ دسامبر ۱۹۷۴، قطعنامه‌ای در مجمع عمومی سازمان ملل متحد به تصویب رسید که مخالفان آن همگی از کشورهای پیشرفته و صنعتی مثل انگلستان و ایالات متحده آمریکا بودند. اصول کلی طرح شده در این قطعنامه در ماده یک آن منعکس شده است: هر دولتی حق اعمال حاکمیت کامل بر تمامی ثروت‌ها، منابع طبیعی و فعالیت‌های اقتصادی خود را دارد و باید داشته باشد. این حق شامل مالکیت، بهره‌برداری و واگذاری به غیر می‌شود. هر دولتی دارای حقوق زیر است:

۱- تنظیم سرمایه‌گذاری خارجی و اعمال حاکمیت نسبت به آن در قلمرو حاکمیت ملی خود مطابق قوانینی و مقررات خود منطبق با اهداف اولویت‌های ملی خود. هیچ دولتی را نمی‌توان وادار به اعطای امتیاز ترجیحی به سرمایه‌گذاران خارجی کرد.

۲- تنظیم و نظارت بر فعالیت شرکت‌های خارجی در قلمرو حاکمیت خود و اتخاذ تدابیری جهت تضمین همسویی این فعالیت‌ها با قوانین و قواعد و مقررات بین‌المللی است. (همان، ۹۰)

۳- ملی کردن، سلب مالکیت یا انتقال آن که در هر مورد از آن باید غرامت مقتضی از سوی دولت با ملحوظ داشتن قوانین و مقررات و اوضاع و احوال مربوط، هر طور که صلاح بداند، پرداخت شود. در هر موردی که پرداخت غرامت محل نزاع باشد، باید به این اختلاف طبق قوانین ملی دولت سلب کننده و در دادگاه‌های آن دولت رسیدگی شود. این منشور بر اصل حسن نیت در اجرای تعهدات قراردادی دولت‌ها صحنه می‌گذارد و حق جبران خسارت و پرداخت غرامت را به رسمیت می‌شناسد. ولی به این نکته باید توجه داشت که یکی از استثنائات اعمال

نحوه استفاده از میادین مشترک نفتی و گازی جمهوری اسلامی ایران ۵
قانون ملی بر قرارداد، مسئله سلب مالکیت است. (همان، ۱۱۳)

۲-۴- جوینت ونچر منابع نفتی و گازی

جوینت ونچر یک اصطلاح دقیق حقوقی نیست و تقریباً در هیچ یک از نظام‌های حقوقی تعریف شده است. با این وصف یکی از اصطلاحات پرکاربرد در حقوق تجارت بین‌الملل است که امروزه تقریباً وارد تمامی زبان‌های دنیا شده است و با معانی مختلف و تعاریف متفاوتی مورد استفاده قرار می‌گیرد. می‌توان گفت که این اصطلاح از سال ۱۹۸۰ به بعد در آرای دادگاه‌های امریکا مورد استفاده قرار گرفت.

ژان شاپیرا حقوقدان فرانسوی، جوینت ونچر را اینگونه تعریف می‌نماید: «چارچوب حقوقی همکاری است که در آن خطرات احتمالی و مدیریت میان طرفین تقسیم می‌شود. این همکاری ممکن است شکل یک شرکت واقعی را داشته باشد یا به صورت قرارداد بدون ایجاد شخص حقوقی باشد یا بلاخره شرکت به ضمیمه قرارداد کار و سرویس باشد». (حکیمیان، ۱۳۸۵: ۶۸)

طبق قانون شرکت‌های تجاری عربستان مصوب ۱۹۶۵ جوینت ونچر عبارت است از ترکیبی از اشخاص که اشخاص ثالث از آن آگاهی ندارند. (فرهاد امام، ۱۳۷۱: ۱۲) در ادبیات حقوقی و اقتصادی کشور ما جوینت ونچر را با عبارات مختلفی ترجمه و تعبیر نموده‌اند. عده‌ای با اذعان به اینکه در زبان فارسی اصطلاح مناسبی برای ترجمه این عبارت وجود ندارد و با تأکید بر خصوصیات این تاسیس حقوقی اصطلاح مشارکت انتفاعی را برای ترجمه آن مناسب دانسته‌اند. (خزاعی، ۱۳۶۹: ۱۴) بعضی از مولفین نیز با توجه به اینکه این اصطلاح نخستین بار در قراردادهای نفتی مورد استفاده قرار گرفته است آن را در مقابل قرارداد امتیاز قرار داده و از آن به «قرارداد مشارکت» تعبیر کرده‌اند. برخی با عنایت به مشخصه اصلی این تاسیس حقوقی، که انعطاف‌پذیری آن در مقابل ماهیت غیرقابل انعطاف است، نهایتاً اصطلاح «مشارکت انعطاف‌پذیر» را برای ترجمه این اصطلاح مناسب دانسته‌اند.

در مجموع می‌توان جوینت ونچر را اینگونه تعریف کرد که مشارکت تجاری بین‌المللی هر نوع ترتیبات همکاری مشارکتی بین دو یا چند شرکت مستقل است، به گونه‌ای که ثمره همکاری مذکور تشکیل شخصیت حقوقی سومی است که از لحاظ سازمانی کاملاً جدا و مستقل از تشکیل دهندگان اولیه است. به عبارتی دیگر جوینت ونچر به نوعی از همکاری تجاری اطلاق می‌شود که طی آن طرفین، مدیریت فعالیت خاصی را به نحو مشترک بر عهده می‌گیرند و در

۵ فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، سال چهاردهم، شماره چهل و ششم، بهار ۱۳۹۸ —

سود و زیان حاصله شریک می‌شوند. به این ترتیب بسیاری از انواع قراردادهای انتقال تکنولوژی و اعطاء لیسانس و عاملیت پخش و غیره از حیثه شمول اصطلاح جوینت ونچر خارج می‌شوند. (حکیمیان، ۱۳۸۵: ۶۷) با توجه به آنچه که در تعریف جوینت ونچر بیان شد می‌توان ویژگی‌های جوینت ونچر را برشمرد: رابطه‌ای قراردادی، فعالیت مشخص، کنترل مشترک، شرکت در نفع و ضرر، قالب حقوقی. بنابراین یک جوینت ونچر باید دارای ویژگی‌های فوق باشد تا بتوان عنوان جوینت ونچر را بر آن اطلاق نمود. در واقع جوینت ونچر بیش از آنکه یک مفهوم حقوقی باشد یک اصطلاح تجاری - اقتصادی است که می‌تواند اشکال بسیار متنوعی به خود بگیرد و در قالب‌های حقوقی متفاوتی سازماندهی شود.

یکی از موارد کاربرد جوینت ونچر در امور بانکی می‌باشد. بدین معنا که دو یا چند بانک به اتفاق یک یا چند شخص حقیقی یا حقوقی توافق می‌کنند که به تامین سرمایه لازم برای انجام فعالیتی معین در زمان محدود مبادرت نموده و در مقابل، اشخاص طرف قرارداد مذکور می‌بایست به اجرای طرح مورد نظر مبادرت نمایند. شخص مجری طرح قدرت اتخاذ تصمیم در مدیریت سرمایه را دارد و می‌تواند حساب‌های شخص مجری را کنترل نماید و سود حاصل از اجرای طرح به نسبت سرمایه‌گذاری بین بانک‌ها تقسیم می‌شود.

۳- نحوه بهره‌برداری از میادین مشترک نفت و گاز جمهوری اسلامی ایران

در برخی موافقتنامه‌ها و معاهدات حاکم بر استفاده از میادین مشترک نفت و گاز جمهوری اسلامی ایران، نحوه استفاده مشخص شده است برای نمونه ماده ۴ موافقتنامه حاکمیت بر جزایر فارسی و العربی و تحدید حدود فلات قاره بین ایران و عربستان سعودی مورخ یازدهم آبان ۱۳۴۷، منطقه‌ای به عرض پانصد متر از خط مرزی پیش‌بینی شده است که طرفین از انجام عملیات حفاری در آن منع شده‌اند. با این حال، در این موافقتنامه هیچ ساز و کاری برای بهره‌برداری مشترک از میادین مشترک نفت و گاز به جز در میدان فریدون مشخص نشده است و بنابراین مفهوم مخالف این موضوع این است که در هر کدام از میادین به جز میدان فریدون، طرفین می‌توانند راساً اقدام به بهره‌برداری از میادین مشترک نفتی و گازی موجود اقدام نهند. در موافقتنامه‌های تحدید حدود دریایی بین ایران و بحرین، ایران و قطر و عمان نیز مقررات مشابهی در این ارتباط وجود دارد. اگرچه این مقررات با این دید به تصویب رسیده‌اند که دولت ایران دارای فناوری‌های برجسته اکتشاف نفت و گازی می‌باشد و کشورهای همسایه در زمان

نحوه استفاده از میادین مشترک نفتی و گازی جمهوری اسلامی ایران ۵

انعقاد این موافقتنامه‌ها فاقد این چنین فناوری‌هایی بوده‌اند اما این موضوع در طول سال‌ها و بلکه دهه‌های اخیر موجب آسیب‌پذیری اقتصادی - تجاری و سیاسی ایران شده است چرا که در طول دهه‌ها و سال‌های اخیر بالعکس سال‌ها و دهه‌های پیش از انقلاب که دولت ایران به عنوان حامی حقوق ایالات متحده در منطقه خاورمیانه شناخته شده و بیشترین و بالاترین سطح از فناوری‌ها را در اختیار داشت. به عبارت دیگر می‌توان این دید را ارایه نمود که در موافقتنامه‌های موجود در این ارتباط دو منطقه مشخص شده است: ۱- منطقه ممنوعه؛ ۲- منطقه غیرممنوعه. منطقه ممنوعه، منطقه‌ای است که دولت‌های عضو اجازه بهره‌برداری تا میزان مقرر را صرفاً دارد اما منطقه غیرممنوعه که عمده‌ترین بحث‌ها را در این زمینه در خود دارد، محدوده‌ای است که دولت‌های طرف موافقتنامه اجازه دارند تا راساً و بدون اطلاع طرف دیگر اقدام به بهره‌برداری از آن نمایند. این محدوده منطقه ممنوعه در قراردادهای مختلف با یکدیگر متفاوت بوده برای نمونه در ماده ۲ موافقتنامه ایران و بحرین در مورد تحدید حدود در منابع مشترکی نفتی و گازی مقرر شده است که هیچ‌چاهی که بخش بهره ده آن از خط مرزی مذکور کمتر از ۱۲۵ متر فاصله داشته باشد حفر نخواهد شد مگر با توافق بین دولت ایران و دولت بحرین. با این حال در موافقتنامه انعقادی میان پاکستان و ایران در همین حدود، این محدوده ۲۵۰ متر انتخاب شده است.

۴- نتیجه‌گیری:

موافقتنامه‌های تحدید حدود دریایی جمهوری اسلامی ایران با کشورهای همسایه عمدتاً در خلیج فارس و دریای عمان در زمینه منابع مشترک نفتی و گازی به این دلیل که بر مبنای این فرض منعقد شده‌اند که کشورهای همسایه فاقد فناوری‌های موجود در زمینه استخراج و بهره‌برداری از منابع نفتی و گازی هستند و دولت ایران دارای فناوری‌های موجود هر چند در چارچوب همکاری با کشورهای پیشرفته است، بسیاری از منابع مشترک نفتی و گازی را بدون تعیین نحوه دقیق بهره‌برداری رها کرده است. به عبارت دیگر، می‌توان این دید را ارایه نمود که مناطق موجود مشترک نفتی و گازی در موافقتنامه‌های موجود تحدید حدود به دو بخش مناطق ممنوعه و مناطق غیرممنوعه تقسیم می‌شوند. مناطق ممنوعه، مناطقی بوده‌اند که رژیم حقوقی بهره‌برداری نفتی و حتی ارتفاع چاه بهره‌برداری نفتی و گازی به دقت در آن مشخص شده است که بسته به نوع موافقتنامه‌های موجود متفاوت است؛ با این حال، مناطق غیرممنوعه مناطقی

◊ فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، سال چهاردهم، شماره چهل و ششم، بهار ۱۳۹۸ —

هستند که حدود بهره‌برداری و استخراج نفت و گاز در مناطق مشترک میان ایران و دولت‌های خارجی همسایه در آن مشخص نشده است و بنابراین این امر در دوران تصویب این موافقتنامه‌ها یک مزیت نسبی اقتصادی - سیاسی قوی برای دولت ایران و ایرانیان به شمار می‌رفته است چرا که دولت‌های عربی و غیرعربی طرف این موافقتنامه‌ها فاقد این فناوری بوده‌اند و بنابراین با توجه به سیال بودن منابع مشترک به ویژه منابع گازی، دولت ایران با همکاری‌های موجود بین‌المللی خود در آن دوران می‌توانست اقدام به بهره‌برداری مزیت‌آمیز از این منابع مشترک اقدام نماید. اما در دوران کنونی با توجه به مزیت نسبی تکنولوژیک و همچنین تحریم‌های متعدد بین‌المللی علیه جمهوری اسلامی ایران که حتی دامنه آن به بحث‌های مختلف از جمله نفتی و گازی نیز می‌گردد، این موافقتنامه‌ها به پاشنه آشیل برای دولت ایران تلقی شده است و بالعکس مزیت نسبی اقتصادی - سیاسی برای کشورهای همسایه بوجود آورده است.

منابع و مأخذ:

الف- منابع فارسی

- اسکینی، ربیعا؛ اختیار دولت و سازمان‌های دولتی در مراجعه به داوری تجاری بین‌المللی (مجموعه مقالات)، مباحثی از حقوق تجارت بین‌الملل، چاپ اول، نشر امروز، تهران، ۱۳۷۱، ص ۷۹.
- ایرانپو، فرهاد؛ مبانی عمومی قراردادهای نفتی، فصلنامه مجله حقوق دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، ۱۳۸۶، دوره ۳۸، شماره ۱، صص ۷۴-۷۵.
- بروشه، رون؛ قانون حاکم و اجرای احکام در داوری‌های موضوع کنوانسیون حل اختلافات ناشی از سرمایه‌گذاری بین دولت‌ها و اتباع دول دیگر، ترجمه محسن محبی، مجله حقوقی دفتر خدمات حقوقی بین‌المللی، ۱۳۶۸، صص ۸۰-۸۹.
- حکیمیان، علی محمد، بررسی ماهیت و ساختار جوینت ونچر، فصلنامه حوزه و دانشگاه، قراردادهای تجاری بین‌المللی، ۱۳۸۵
- خزاعی، حسین، بررسی اجمالی مفهوم JV در حقوق امریکا و حقوق بین‌الملل، مجله حقوقی شماره ۱۳، ۱۳۶۹
- فرهاد امام، حقوق سرمایه‌گذاری خارجی در ایران، ۱۳۷۱، چاپ اول، نشر یلدا
- کاشانی، جواد، ۱۳۸۹؛ منابع نفت و گاز مشترک از منظر حقوق بین‌الملل، انتشارات موسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی، انتشارات شهردانش، تهران، ۱۳۸۹، ص ۲۴
- موحد، محمد علی؛ درس‌هایی از داوری نفتی، جلد اول، انتشارات دفتر خدمات حقوقی بین‌المللی جمهوری اسلامی ایران، چاپ اول، ۱۳۷۴، ص ۲۰۲.
- نمودیان، افشین؛ نظام حل و فصل اختلاف تحت کنوانسیون ۱۹۶۵ کنوانسیون واشنگتن، رساله کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران، ۱۳۷۶، ص ۱۰.

ب- منابع لاتین

- Bantekas, Ilias , ‘ ‘ Oil and Gas Law in Kazakhstan: National and International Perspectives ‘ ‘ , Kluwer Law International B.V., ۲۰۰۴, p۳۴.
- Harely, T.C, The Fundations of European Community Law,

◇ فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، سال چهاردهم، شماره چهل و ششم، بهار ۱۳۹۸ —

Clarendon Press, Oxford, ۳rd ed, ۱۹۹۴, p. ۶۴

- Jennings , Anthony , ‘’ Oil and Gas Exploration Contracts ‘’
, Sweet & Maxwell, ۲۰۰۸

- Mersadi Tabari , Nima , ‘’ Lex Petrolea and International
Investment Law: Law and Practice in the Persian Gulf , Taylor
& Francis, ۲۰۱۶ .

- Muttitt, Greg, ‘’ Fuel on the Fire: Oil and Politics in
Occupied Iraq’’, New Press, The, ۲۰۱۲, p۱۹۰.

- Roberts, Glenn L., ‘’ Sharia Law and the Arab Oil Bust:
PetroCurse Or Cost of Being Muslim? ‘’ , Universal-Publishers,
۲۰۰۷, p ۱۱۳.